



عوامل موثر بر شکل گیری هویت اسلامی ایرانی در فرزندان

انسیه عامری

nc_ameri@yahoo.com

کارشناسی راهنمایی مشاوره، مربی پیش دبستان دخترانه مرضیه یزدی منطقه ۱۶ تهران

چکیده

کودک از ابتدای تولد تا ۲۱ سالگی، یعنی هنگامی که به لحاظ تربیتی از محیط خانواده دور می شود و از نظر رشد جسمی و اخلاقی - تربیتی به بلوغ نسبی می رسد، مراحل به هم پیوسته رشد و تربیت را پشت سر می گذارد. از دیدگاه دین، کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است و تعبیر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم از این مرحله تربیتی، مرحله «سیادت کودک» است. اهمیت تربیت در سن سیادت، به این علت است که شخصیت کودک در این دوران شکل می گیرد. در این میان خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی، کتاب ها و ... مناسب ترین بسترها برای تربیت و پیدایش هویت ایرانی و اسلامی در کودکان به شمار می آیند.

کلیدواژگان: عوامل شکل گیری هویت اسلامی ایرانی، فرزندان.

مقدمه

هیچ ملتی، هرچند تازه و نوبنیاد و بدون پیشینه تاریخی، بی نیاز از داشتن هویت ملی نیست. برای شناخت ملیت و هویت ملی هر جامعه ای، ابتدا باید عناصر تشکیل دهنده آن را بازشناسیم، که با گردآمدن این شاخصه ها در هر جامعه ای، پدیده ای به نام «ملیت» یا «هویت» ملی شکل می گیرد. حال می توان به صورت کلی این عناصر را چنین بر شمرد: ۱. سرزمین و قلمرو، ۲. دین و مذهب، ۳. زبان، ۴. حکومت و دولت، ۵. نژاد و قومیت، ۶. سنتها و آیینها، ۷. میراث فکری، ۸. اسطوره ها و قهرمانان و فرهنگ کنونی در کشور ایران، آمیزه ای از باورهای اسلامی و ایرانی است که قدمت بس دیرینه ای دارد. از همان زمان که ایرانیان، فرهنگ اسلامی را فرا روی خویش یافتند آن را به گرمی پذیرفتند و آنگاه در ترویج و نشرش کوشیدند. خلاصه اینکه در مطالعه هویت ملی ایرانی، هرگز نمی توان از نقش دین و مذهب غافل بود و باید آن را به عنوان عامل مهم «هم بستگی اجتماعی» و در نتیجه «هویت جامعه ایرانی» و به عبارتی «هویت ملی» به شمار آورد. حضرت آیت الله خامنه ای هویت اسلامی و ایرانی را با هم سازگار می دانند و معتقدند که هویت اسلامی و ایرانی در مقابل هم قرار نمی گیرند. ایشان بیان می دارند که هویت اسلامی و ایرانی در هم آمیخته شده و از هم تاثیر پذیرفته اند و در طول زمان، هویت ایرانی و اسلامی با هم سازگار شده و هویت ایرانیان را به وجود آورده است.



هویت

ساده ترین تعریف هویت این است که هویت، تعریفی است که فرد از خود و وجود خود ارائه می دهد و به کمک آن، به پرسش هایی از قبیل چیستم و چه می خواهم، پاسخ می دهد و از طریق آن به ابعاد شخصیت خود یکپارچگی و انسجام می بخشد. هویت در معنای اصطلاحی مجموعه ای از شاخص ها و علائم در حوزه مولفه های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می شود. درخصوص هویت ملی در جامعه ایران، آیت الله خامنه ای معتقد به هویت ایرانی و اسلامی است. ایشان ماهیت انسانی و دینی برای جامعه ایران قائل هستند و احیای این هویت را مهم ترین سازوکار پایایی انقلاب اسلامی و دستیابی به آرمان های این تحول بزرگ می دانند. به اعتقاد ایشان، احیای هویت ملی که در سطح فردی و سپس اجتماعی صورت می گیرد، موجب خودباوری، اتکا به نفس، امید به آینده و عدم سلطه پذیری شده و تلاش و پیشرفت را در پی خواهد داشت. مهم ترین گام برای احیای هویت ملی در جامعه ایران و تقویم فرهنگ ایرانی - اسلامی، نفی خود کاذب می باشد. به عقیده حضرت آیت الله خامنه ای این توفیقاتی که امروز در زمینه فناوری، چه در زمینه ساخت های زیربنایی و اساسی کشور و در زمینه رشد علمی در زمینه های گوناگون ملاحظه می کنیم، در سایه تلاش هویت ملی و اسلامی به دست آمده است (مرشدی آزاد و احمدلو، ۱۳۹۶).

هویت ملی

هویت ملی همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه نوعی منشاء مشترک را در خود احساس کنند (مرشدی آزاد و احمدلو، ۱۳۹۶).

هویت اسلامی

هویت اسلامی، در واقع نشان دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. مهم ترین دستاورد هویت اسلامی است، پاسخ دادن به پرسش های بنیادی، جهت بخشیدن به زندگی، وحدت اعتقادی و معنی بخشیدن به جهان است. هویت اسلامی در واقع بازنمایی از واقعیت است که هیچ فرد یا گروهی، به فرد یا گروهی دیگر برتری ندارد، جز کسانی که تقوای الهی داشته باشند. یکی از مسائل مهم اجتماعی در کشور ما، هویت می باشد. بحران هویت در واقع همان بحران شخصیت است و منظور از شخصیت نوعی خودآگاهی است که عمق آن صلابت شخصیت را تضمین می کند و نبود آن زمینه ساز بحران هویت خواهد شد. وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) نقطه‌ی عطفی در تحولات فرهنگی و هویتی جهان اسلام بود. این انقلاب بسیاری از کشورهای اسلامی در منطقه‌ی غرب آسیا را (که یا به رکوع و رکون در مقابل غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا و یا شرق با محوریت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی دل بسته بودند) تحت تأثیر خود قرار داد و ارزش ها و امیدهای نوینی برای ملل مسلمان جهان آفرید. قرائت امام خمینی (ره) از اسلام، قرائتی اصیل و مبتنی بر معارف و اصول ناب اسلامی و شیعی بود که معارف قرآنی را به صورتی عینی و در قالب حکومت «جمهوری اسلامی» و در جهت معرفت و هویت مسلمانان و آحاد بشر به متن و بطن



اجتماع و تاریخ کشاند. در قاموس اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، هویت اسلامی (که از معرفت و فرهنگ اسلامی جدا نیست) حائز خصیصه‌هایی مشخص است که آن را از سایر هویت‌های غرب‌زده یا شرق‌زده در منطقه، نظیر عربستان سعودی، مصر، کشورهای حاشیه خلیج فارس و... متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها را می‌توان به دو بُعد داخلی و خارجی تقسیم کرد. در ابعاد داخلی می‌توان به: ۱- توحید عملی و نظری به‌مثابه‌ی مرکز ثقل فرهنگ و هویت اسلامی ۲- اسلام سیاسی، اجتماعی و انقلابی، مبتنی بر معارف قرآن و اهل‌البیت ۳- اسلام تمدن ساز ۴- عدالت اجتماعی و رفع تبعیض ۵- حمایت از محرومین و مستضعفین و مبارزه با خوی اشرافی‌گری ۶- ساده زیستی و پرهیز از تجمل‌پرستی و ۷- توجه به جمهوریت و اسلامیت و... اشاره و در بُعد خارجی می‌توان: ۱- استکبارستیزی و نفی رابطه و سازش با شیطان بزرگ و نظام سلطه ۲- حمایت و پشتیبانی از مسلمانان و مستضعفان جهان ۳- اخلاق محوری در روابط بین‌الملل ۴- جهان‌شمولی اسلامی ۵- نفی سبیل ۶- حفظ دارالاسلام ۷- اصل دعوت به اسلام ۸- صدور انقلاب ۹- مسئله فلسطین و مبارزه با رژیم صهیونیستی ۱۰- حفظ وحدت با سایر ملل مسلمان (اعم از شیعه و سنی) و... را ذکر کرد (زرع پیمان، ۱۳۹۶).

عوامل موثر شکل‌گیری هویت اسلامی ایرانی در فرزندان

کودک باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اساسی را در همان سال‌های نخستین فرا می‌گیرد. به گفته برخی از روان‌شناسان، شیوه زندگی کودک تا چهار یا پنج سالگی، چنان عمیق شکل می‌گیرد که پس از آن، عوامل بیرونی نمی‌تواند آن شیوه را تغییر دهد. زندگی کودک در چنین محیط پرمهر و محبتی نقش مهمی در شکل‌گیری نوع شخصیت او دارد؛ شخصیتی که با انواع عشق و محبت نوع دوستانه، با خوش‌بینی به زندگی می‌نگرد؛ یعنی گرایش‌های عالی همانند گرایش‌های اجتماعی و دینی را به فعلیت می‌رساند. ایمان واقعی انسان به خدا از یک سو و شیوه زندگی پایدار، جامع و هدفمند از سوی دیگر، نتایج امیدبخشی پدید می‌آورد که فرد را به برخورد صمیمانه با دیگران قادر می‌سازد؛ یعنی در واقع، شیوه‌ای اخلاقی را در زندگی ایجاد می‌کند که در آن، ایمان به خدا نقشی پویا و واقعی دارد (احسانی، ۱۳۸۱).

خانواده کانونی مقدس و محل برآورده شدن بسیاری از نیازهای طبیعی ماست. اسلام برای تشکیل خانواده چهار هدف مهم پیش‌بینی کرده است:

- ۱ برطرف شدن نیاز جنسی زن و مرد در یک محیط قانونمند و سالم و ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه
 - ۲ ایجاد آرامش روحی برای همسران، در نتیجه هی انس آنان با یکدیگر و بودن برای یکدیگر
 - ۳ پرورش فرزندان سالم و رشید
 - ۴ از همه مهم‌تر، ایجاد زمینه و فراهم کردن فضایی برای رشد معنوی و اخلاقی اعضای خانواده، و کسب کمالات و فضایل این کارکردهای مهم وقتی ممکن و میسر است که هریک از اعضای خانواده برای ایفای نقش و انجام وظایف خود، تربیت شده باشد. از آن جا که هر کودکی، در آینده پدر یا مادری خواهد شد که خود خانواده تشکیل خواهد داد، در مسیر رشد خود در خانواده و در مدرسه باید بیاموزد که چگونه نقش مادری یا پدری خود را ایفا کند. پس تربیت خانوادگی دو جنبه دارد:
- ۱ آماده کردن کودکان و نوجوانان برای ایفای درست مسئولیت خود در دور هی کودکی و نوجوانی به عنوان فرزند خانواده



۲ آماده کردن نوجوانان و جوانان برای تشکیل یک خانواده ی موفق در آینده و ایفای صحیح نقش همسری، پدری یا مادری در زمان تشکیل خانواده همواره تربیت و اداره فرزندان برای نسل آدمی از بزرگترین دغدغه‌های دیرین و نیز از مهم‌ترین شاخص‌های تربیتی آدمی در طول تاریخ بوده است. نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست. شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان‌شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است^۱ (اعتصامی و راصد، ۱۳۹۰). خانواده بر اساس جایگاه خود، بیشترین تأثیر را بر تربیت فرزند دارد؛ نکته مهم و قابل توجه این است که والدین احساس می‌کنند فرزندان هنگام ورود به سیستم آموزشی (دبستان و غیره)، تحت تعلیم قرار می‌گیرند و شخصیت ایشان ساخته می‌شود، اما غافل از آنکه اکثر تأثیرپذیری فرزندان در همان سال‌های اولیه و قبل از ورود به سیستم همگانی آموزش و پرورش است. در واقع فرزند قبل از رسیدن به شش‌سالگی، شاکله شخصیتی‌اش شکل می‌گیرد. یکی از این فاکتورهای شخصیت، شخصیت دینی است. از آنجایی که تمام عالم پیرامونی فرزند را عموماً والدین و افراد نزدیک به ایشان شکل می‌دهند، تأثیر پذیرفتن ایشان از والدین از لحاظ فرهنگ دینی به مراتب گسترده‌تر از دیگران است. اهمیت خانواده، امری چند بعدی است و به عنوان اساسا جامعه انسانی اهمیت والایی دارد. از لحاظ تاریخی، خانواده و روابط خویشاوندی نخستین ریشه‌های حیات اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهد. افراد در خانواده متولد میشوند و در آن می‌بالند و در همان جامعه کوچک فرآیند جامعه‌پذیری را تمرین می‌کنند. کارکرد دیگر خانواده فراهم کردن زمینه استمرار حیات فرهنگی جامعه است (وهاب، آریان، ۱۳۹۶).

مدرسه در راستای آشناسازی فرزندان و یادگیری ارزش‌های اسلامی و ایرانی، تأثیر بسزایی داشته و تربیت دینی کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های مهم والدین و مربیان ایران زمین بوده است. به طوری که از همان لحظه‌ای که اذان در گوش نوزاد خوانده می‌شود تربیت دینی وی نیز شروع می‌شود. این تربیت، در ادامه به طور رسمی و غیر رسمی در مدرسه و جامعه ادامه پیدا می‌کند. البته یافته‌های برخی از پژوهش‌ها حاکی از ناکارآمدی روش‌های سنتی آموزش دینی و ضرورت استفاده از روش‌های کارآمد است. بنابراین، تلاش برای جایگزین کردن روش‌های جدید به مربیان و والدین کمک می‌کند تا رسالت خود در فراهم کردن زمینه رشد دینی و ایمانی کودکان را به طور مؤثرتری انجام دهند. چراکه آموزش مفاهیم دینی همانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان‌گونه که شناخت ویژگی‌ها و توانایی‌های کودکان در بهینه‌سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش‌های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان نیز ضرورت دارد (وهاب، آریان، ۱۳۹۶).

در نظام نوین جهانی، وسایل ارتباط جمعی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشری یک منبع قدرت و نیز ابزاری قوی برای کنترل و اداره جامعه به حساب می‌آیند که به طور روز افزون همه افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در میان گروه‌های مختلف، کودکان و نوجوانان از تأثیرپذیرترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین مخاطبان رسانه‌های گروهی به حساب می‌آیند^۲. همین مسئله، نگرانی‌های عمده‌ای را بین والدین، متخصصان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی برانگیخته و پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. در خصوص نقش رسانه‌ها در انتقال مفاهیم دینی به کودکان حاکی از آن است که برنامه‌های تلویزیونی تأثیرات عمیقی بر تحول اخلاقی، پیشرفت تحصیلی، رفتارهای اجتماعی و واکنش‌های عاطفی کودکان گذاشته و می‌توانند



همچون سرمشقی مناسب یا نامناسب ایفای نقش کنند. اگر شیوه انتقال مفاهیم دینی متناسب با درک و فهم کودک و نیز با قالب های مناسب برنامه سازی انجام شود، موفقیت آمیز خواهد بود. دیدن سریال ها و برنامه های ماهواره ای کودکان را از هویت دینی و اسلامی خود دور کرده و آن ها را به سمت پوچی سوق می دهد. خط فکری که از سمت این برنامه ها به کودک منتقل می شود او را از سنین پایین درگیر مسائل و افکار جنسی کرده و کودک را به تنش و انحراف می کشاند. بدین صورت که خانواده ها با تماشای سریال ها و برنامه های ماهواره ای کودکان خود را به الگو برداری از شخصیت ها و پوشش های نامناسب تشویق کرده و الگوی نامناسبی را از ابتدای کودکی در اختیار او قرار می دهند (سلیمانی و همکاران ۱۳۹۵). در این فرایند خانواده، مدرسه و رسانه های گروهی اقدامات لازم را برای تحول بهینه فراهم آورده و در عمل نقش هدایت کودکان و نوجوانان را بر عهده گرفته اند. وسایل ارتباط جمعی در کنار معلمان و دولت وظیفه دارند به نیازهای کودکان و نوجوانان به صورتی شایسته و مناسب پاسخ دهند. یکی دیگر از منابع مهم در آموزش و تربیت کودکان، کتاب ها و مجلات هستند که معمولاً اولیاء یا مربیان برای انتقال مفاهیم دینی از آنها استفاده می کنند. در صورتی که این داستان ها با عالم کودکان و فطری کودکان هماهنگ باشد، می توانند زمینه مناسبی برای پرورش دینی کودکان فراهم سازند. قصه ها، داستان ها و نقاشی ها، همه وارد دنیای تخیلی کودک می شوند و او را با خود به سرزمین های دور و نزدیک می برند. در صورت تصویر سازی صحیح در دنیای قصه، کودک وقتی نام خدا را می شنود و این زیبایی ها را از او می بیند و شادی خود را از او می یابد، احساسی از یک انس لطیف با خدا را در خود می یابد و تصویری بسیار زیبا، مهربان و صمیمی، هر چند کودکانه، از خداوند در ذهن و خیال خود ترسیم می کند (سلیمانی و همکاران ۱۳۹۵)

دیدگاه اسلام در خصوص کودکان

شریعت اسلامی، با نگاه همه جانبه گر خود، ضمن درک جایگاه آسیب پذیر کودکان، لزوم حمایت از این گروه جمعیتی را به اشکال مختلف مورد تأکید قرار داده و ضمن بر شمردن مصادیقی از این حمایت، تکالیفی را متوجه کلیت جامعه به ویژه، والدین طفل نموده تا با رعایت این تکالیف، در راستای رشد و پرورش جسمی، روحی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی کودکان خویش گام بردارند. در اسلام، فراگیری دانش، یک فرضیه است و به ویژه از این حیث توجه بسیاری به لزوم تعلیم و تربیت کودکان شده است. از جمله: پیامبر اسلام(ص) می فرماید: « از جمله حقوق فرزند بر پدر آموختن نوشتن است» و یا امام سجاد (ع) اظهار میدارند: «حق فرزند بر تو آن است که ... در ادب آموزی وی به مسئولیت خود عمل کنی». کودکان نیازهای مختلفی دارند که خود به تنهایی قادر به رفع این نیاز ها نمی باشند؛ به همین جهت، در دین اسلام رابطه محبت آمیز با کودکان از سوی والدین بسیار با اهمیت دانسته شده است و روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد. بنابراین ارتباط مؤثر با کودکان جزء تکالیف والدین است. رسول خدا (ص) از بدو تولد کودک تا حدود بیست و یک سالگی را به سه دوره ی هفت ساله تقسیم می کند و برای هر کدام یک ویژگی کلی برمی شمارد. آن حضرت می فرماید: **الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ** فرزند در هفت سال اول سیادت می کند **وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ** و در هفت سال دوم اطاعت کننده است **وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ** و در هفت سال سوم مشاور است. هم چنین می فرماید: بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، هفت سال ادب بیاموزد و هفت سال ملازم و همراه تو باشد (مظاهری و صالحی نژاد، ۱۳۹۲)

نتیجه گیری

پدر و مادر در محیط خانواده نخستین مراجع صلاحیت دار و نمونه هایی هستند که کودک ارزش های اساسی و رفتارهایی را که روش زندگی او را شکل خواهد داد، از آن ها فرا می گیرد. همان گونه که از مطالب گذشته دریافتیم، اسلام محتوا و روشی از تعلیم و



تربیت ارائه می‌دهد، که برای رشد گرایش فطری کودک به دین راه همواری را فراهم می‌سازد. بسیاری از صاحب‌نظران علوم انسانی، فرهنگ را اساس و شالوده هر جامعه‌ای می‌دانند که در پرتو آن شاخص‌های دیگر جامعه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معنا و مفهوم و تشخیص پیدا می‌کند. از سوی دیگر در عصر حاضر اولویت اول در سیره عملی و رفتاری قدرت‌های استکباری، به جای تسخیر سرزمین، تسخیر باورها و اذهان مردم و در نهایت تسلط بر فرهنگ آنان است. فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از این ویژگی‌ها و شگردهای تبلیغی روان‌شناسانه، سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری ایرانیان داشته و از طریق تهی ساختن آنها از درون، زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگ بیگانه فراهم می‌آورد. جمله‌ی معروفی در روان‌پزشکی داریم مبنی بر این که «کودکی پدر انسان است»، یعنی اینکه همه‌ی موضوع‌هایی که کودکی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند، اتفاق‌هایی که در کودکی با آن روبه‌رو می‌شویم، تجربه‌هایی که در دوره‌ی کودکی از وقایع اطرافمان و رفتار دیگران پشت سر می‌گذاریم تاثیر بسیار عمیقی در زندگی و آینده ما دارد. در واقع ادامه زندگی و بزرگسالی ما بسیار تحت‌تاثیر دوره‌ی کودکی است و لازم است که به دوره‌ی کودکی اهمیت بسیار زیادی بدهیم؛ چراکه تجربه‌های کودکی در زندگی ما بسیار تاثیرگذار هستند. طبیعتاً سیاست‌گذاران در تمامی حوزه‌ها باید توجه خاصی به این بخش داشته باشند. توجه کنیم که کودک؛ یعنی موجودی زنده، آزاد، بی‌تصنع، بی‌تزویر و بی‌ریا، صریح و بی‌تردید سخن می‌گوید و عمل می‌کند؛ ظاهرش با باطنش یکی است؛ عملش برابر خواست دل و سخنش مطابق نیت دل است هیچ فاصله‌ای میان دل، زبان و عمل او نیست. بنابراین آموزش‌ها باید متناسب رشد شناختی و روانی کودک باشد و توجه داشته باشیم که توانایی ادراکی کودکان محدود است و در حد رشد عقلی و ویژگی‌های روانی خود با مفاهیم متعالی ارتباط برقرار می‌کند که البته این موضوع نقص محسوب نمی‌شود. تربیت حواس از طریق امکان مشاهده‌ی زندگی حیوانات، نگاه به زیبایی‌های طبیعت پیرامون، توجه به پدیده‌های جذاب، همکاری و مشارکت در تربیت و تنظیم اطاق، آذین بندی در جشن‌ها و مراسم، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در تربیت (دینی و ایرانی) کودکان داشته باشد.

منابع

- احسانی، محمد (۱۳۶۰)، ((نقش دین و خانواده در آموزش و پرورش کودک))
- اعتصامی، محمد مهدی و راصد، سعید (۱۳۹۰)، ((مبانی و روش تدریس تعلیم و تربیت دینی در دوره ابتدایی))
- زرع پیمان، شاهین (۱۳۹۶)، ((هویت اسلامی، مفهومی مهجور در جهان اسلام))
- سایت کودک پرس
- سلیمانی، محمدرضا، عابدینی بلترک، میمنت، فقیهی حبیب آبادی، حسین و عشوری مهرنجانی، فروزان (۱۳۹۵)، ((تحلیل محتوای مؤلفه‌های دینی در مجلات کودک و نوجوان))
- مجله / حدیث زندگی / خرداد و تیر ۱۳۸۲، شماره ۱۱ / عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی
- مرشدی آزاد، علی و احمدلو، کاووس (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های هویت اسلامی و ایران در اندیشه آیت اله خامنه‌ای
- مظاهری، معصومه و صالحی نژاد، فاطمه (۱۳۹۲)، ((بررسی مبانی فقهی حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان با رویکردی به نظر امام - خمینی(س))
- نگاهی به حقوق کودک در اسلام - بروشور قاپدار کودک در اسلام - کمیسیون حقوق بشر اسلامی
- نوری، سید مسعود (۱۳۸۸)، ((حق برخورداری کودکان از هویت اجتماعی و نسبت آن با اولویت والدین در انتخاب نوع آموزش و تربیت فرزندان))



- وهاب، آریان (۱۳۹۶)، «تأثیر میزان دین‌داری والدین در دین‌پذیری فرزندان»

Archive of SID